

قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد ملی

علیرضا وطن‌پور

(کارشناس ارشد علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی)

اقتصاد ملی / اقتصاد / امنیت اقتصادی / قاچاق کالا

تهدیدهای اقتصادی به طور اعم - که شکننده‌تر از هر زمان دیگر است - و قاچاق کالا به طور اخص، می‌توانند به عنوان یک تهدید تمام عیار اقتصادی، نظام حاکم را از دستیابی به این اهداف باز داشته یا با مشکل مواجه کنند؛ و در نهایت قدرت اقتصادی رابه عنوان یکی از مولفه‌های اثر گذار بر امنیت ملی به ضعف بکشانند.

چکیده

تأمین امنیت در ابعاد متنوع سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در گرو توجه به همه انواع خطرهای در عرصه‌های داخلی و خارجی است. یکی از این تهدیدها در کشور ما، که همه این ابعاد - به ویژه بعد اقتصادی آن - را تحت تأثیر قرار می‌دهد، قاچاق کالا است. در این مقاله - که به روش توصیفی - تحلیلی تهیه شده، سعی بر آن بوده است تا ضمن جهت‌گیری در رفع این نقیصه، برخی از آثار و عوارض منفی آن بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران یا به عبارت دیگر تأثیرات اقتصادی آن با هدف کمک به سیاست‌گذاری‌های مرتبط با امر مبارزه با قاچاق مورد کاوش و بررسی قرار گیرد.

در نتیجه، مشخص شود: در کشور ما که تحقق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ضرورت پرداختن به جنبه‌های استراتژیک مبتنی بر الزامات این سند (که تقویت تولید، یکی از اصلی‌ترین آن‌هاست) و نیز اجرای راهکار توسعه اقتصادی اهدافی حیاتی قلمداد می‌شوند،

ارزان‌تر آن از طرف دیگر در کنار سایر عوامل مانند موانع متعدد تعرفه‌ای (بالا بودن تعرفه‌ها و مالیات‌ها) و سیاست‌های متغیر گمرکی به روند رو به رشد قاچاق دامن زده است.

در این مقاله بنا داریم تأثیر قاچاق کالا بر برخی از مؤلفه‌های اقتصادی و دیگر متغیرهای اقتصادی یا آثار این پدیده را برانمیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به اختصار و ترتیب زیر مرور کنیم.

۱. اخلال در سیاست‌های اقتصادی دولت

سیاست‌های اقتصادی دولت به مجموعه روش‌های عملی اطلاق می‌شود که دولت برای دست یابی به اهداف تأثیرگذار بر متغیرهای اقتصادی انجام می‌دهد؛ مانند اشتغال کامل، تنظیم سیاست‌های بازرگانی، تثبیت عمومی قیمت‌ها (پایین نگه داشتن تورم و جلوگیری از افزایش قیمت‌ها) یا نیل به رشد اقتصادی (گسترش ظرفیت تولیدی کشور). قاچاق کالا در اجرای این سیاست‌ها اختلال ایجاد می‌کند و رقابت را برای صنایع داخلی سخت کرده و حتی آنان را بی رونق می‌سازد. قاچاق، تقاضا را گسترش و الگوی مصرف را تغییر می‌دهد و باعث بروز فشارهای تورمی بر اقشار کم درآمد می‌شود. در قاچاق کالا برخلاف تجارت رسمی، نوع کالا و قیمت و میزان آن مشخص نیست بنابراین برنامه‌ریزی‌های تولیدی و سیاست‌های تجاری^۲ دولت و بخش خصوصی همواره با ریسک همراه است. لذا تولید کننده با توجه به این ریسک یا در فرایند تولید، شرکت نمی‌کند یا در صورت ورود آگاهانه، نرخ بازگشت سرمایه بالاتری را در زمان کوتاه‌تر طلب می‌کند. دولت هم در برنامه‌ریزی تولیدی با همین مشکل روبروست. در این حالت قاچاق کالا با توجه به اثراتی همچون بی ثباتی اقتصادی و اختلال در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و سیستم توزیع باعث لوٹ شدن نظارت دولت و آسیب‌پذیری اقتصادی کشور خواهد شد.

قاچاق وارداتی مانع از کنترل بهینه دولت بر مجموع هزینه‌های وارداتی و اختصاص ارز موجود به واردات کالاهای ضروری و سرمایه‌ای که نقش بیشتری در رشد تولید ناخالص داخلی^۳ و رونق اقتصادی دارد، می‌شود. قاچاقچی منافع

مدل اقتصادی ایران در جهان امروز کم نظیر است، زیرا نه ساختارگرا و اشتراکی مبتنی بر حاکمیت و اقتدار مطلق دولت است و نه لیبرالیستی سرمایه‌داری متکی به بازار رقابتی^۱. دولت مالک بزرگ‌ترین صنایع پایین دستی نفت و فولاد، بازرگانی، خودروسازی، خدمات عمومی، اقلام عمده مصرفی، حمل و نقل هوایی و ریلی و بزرگ‌ترین مصرف کننده و عرضه‌کننده پول و انرژی است.

اگرچه منظور ما در این مقاله، برشمردن آثار قاچاق کالا بر امنیت اقتصادی است- که وجه غالب عوارض آن را شامل می‌شود- اما باید توجه داشت که ضعف‌های ساختار اقتصادی کشور، شاخص‌های اقتصادی را قبل از هر چیز دیگر تحت تأثیر قرار می‌دهد و احتمالاً پیامدهای نامطلوب‌تری از قاچاق به عنوان یک مشکل تبعی بر بیکر اقتصاد تحمیل می‌کند. در عین حال این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که آثار تخریبی قاچاق در وهله اول متوجه صناعی است که آن‌ها را به رقابت در بازار داخل فرا می‌خواند و رفته رفته به رکود می‌کشاند. از این رو با تنوع و حجم چشمگیر این کالاها در کشور، وزن و سهم آن‌ها در اقتصاد قابل ملاحظه و انکارناشدنی است؛ گمرک، وزارت بازرگانی، نیروی انتظامی و ستاد مبارزه با قاچاق کالا برآوردهای متفاوتی ارائه می‌دهند. آخرین برآورد ستاد مبارزه با قاچاق کالا نشان دهنده ورود حداقل ۶ میلیارد دلار کالای قاچاق در سال به کشور است. قاچاق، برخاسته از عواملی مختلف است و به روش‌های متنوع، مانند افزایش روز افزون تقاضا و مطلوبیت برای آن صورت می‌گیرد که پرداختن به آن‌ها هدف این مقاله نیست، اما به طور کلی رواج قاچاق و روند روبه رشد آن، در نتیجه نارسایی‌های گوناگون به ویژه در حوزه اقتصاد بوده و از سرچشمه‌های آن است، در واقع "اقتصاد" و "قاچاق" بر یکدیگر آثار متقابلی دارند. طی سال‌های گذشته مسأله قاچاق در ایران بر سیستم تهیه و توزیع کالا سایه انداخته و تقاضای داخلی ناشی از کمبود یا مطلوب نبودن تولیدات داخلی و منفعت بالای قاچاق از یک سو و تورمی بودن و عرضه

عمومی را نادیده می‌گیرد و سیاست‌های اقتصادی دولت هم غالباً همسو با منافع عمومی است، بنابراین قاچاق و سیاست‌های اقتصادی پیوسته در نقطه مقابل یکدیگرند، قاچاق با ایجاد تحریف در تولید ناخالص ملی توان دولت را در اتخاذ روش‌های صحیح اقتصادی برای رسیدن به اهداف موردنظر کاهش می‌دهد یا این اهداف و سیاست‌ها را کم اثر یا بی اثر کرده و آن‌ها را از کارکرد مورد انتظار می‌اندازد.^۴

قاچاق در مقیاس وسیع می‌تواند بهینه‌سازی نظام تولید، توزیع و مصرف را به شکست بکشاند و سازوکارهای مالی و پولی نظام اقتصادی را ناکارآمد و دامنه آن را به سیاست‌های بازرگانی و موازنه تجاری توسعه دهد. بر هم زدن توازن تجاری و عدم تحقق انتظارات دولت ثمره افزایش هزینه واردات به کشور است. همچنین ورود کالاهای غیرضروری و غیر مؤثر بر فشرده‌گی رقابت صنایع ملی در بازار داخلی اثر منفی دارد.^۵

پیامد دیگر قاچاق در اقتصاد، افزایش نرخ ارز در بازار آزاد به علت افزایش تقاضای آن برای واردات غیرقانونی کالا است. بخش مهمی از توازن ارزش ریال در برابر ارز در بازار غیررسمی وابسته به قاچاق است، بازرگانی غیرقانونی به پول رسمی کشور فشار آورده و اثرات تورمی به دنبال دارد.^۶

بنابراین دولت برای دستیابی به اهداف اقتصادی خود سیاست‌هایی در تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده از منابع غیرنفتی، احیای ساختار اقتصاد ملی، برآوردن نیازهای رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد آینده‌ای روشن و مطمئن برای تولیدکننده، تنظیم ورود و خروج کالا، حفظ پول و ثبات قیمت‌ها تدوین می‌کند اما قاچاق کالا همه این برنامه‌ریزی‌ها را مخدوش می‌کند و مانع نتیجه‌گیری مطلوب از آن‌ها می‌شود.

۲. افزایش فقر

فقر عبارت است از ناتوانی در فراهم آوردن نیازهای بنیادی برای رسیدن به یک زندگی آبرومندانانه و شایسته انسان که حاصل رکود شدید درآمد ملی، توزیع ناعادلانه درآمد سرانه، کاهش سرمایه‌گذاری، گسترش حجم نقدینگی، کاهش تولید و بیکاری است.^۷ مطالعات مرکز آمار ایران نشان

می‌دهد ۲۵ درصد جمعیت کشور در فقر به سر می‌برند. فقر می‌تواند هم علت و هم معلول قاچاق باشد، این اثر ثانویه بلافاصله پس از شکست تولید و کاهش اشتغال و درآمد عارض می‌شود یعنی با افزایش قاچاق کالا، فقر در جامعه از آنچه وجود دارد بیشتر می‌شود، زیرا قاچاق سرمایه‌گذاری مولد را از هدف اصلی خود منحرف کرده، تولیدات و درآمد ملی را کاهش می‌دهد و به مرور فقرا را عارض می‌کند. با افزایش فقر، فساد اجتماعی بیشتر شده و در صورت تداوم و تشدید آن، بحران‌های اجتماعی بروز می‌کند.

فقر و ناامنی‌های اجتماعی از دیر باز با شرایط اقتصادی رابطه مستقیمی داشته است، مطالعه فساد و بزهکاری در فضای نامناسب اقتصادی همواره مورد علاقه محققین قرار گرفته است و مشکلات اقتصادی و فقر حاصل از آن را عاملی مسأله ساز برای قربانیان و مسئولان کشور کرده است. در مطالعات جرم‌شناسی، فقر از شاخص‌های مهم بحران اقتصادی^۸ است که با گذشت زمان برای نظم اقتصادی و اجتماعی یک کشور خطرآفرین است.^۹

قاچاق کالا شرایط توزیع درآمدها و ثروت‌های اجتماعی را به هم می‌ریزد و مقدرات اقتصادی دولت را که می‌توانست از طریق هزینه‌های عمومی و اعطای یارانه و دیگر حمایت‌های اجتماعی به طبقه محروم کمک کند، کاهش می‌دهد.^{۱۰} رسیدن طبقه قاچاقچی به ثروت‌های هنگفت، روند فقیرتر شدن طبقات پایین جامعه را سرعت می‌بخشد، چرا که با افزایش تقاضای کاذب و فشارهای تورمی، سطح رفاه اجتماعی پایین آمده، طبقات فقیر در تنگناهای بیشتری قرار می‌گیرند و فاصله آن‌ها با طبقات غنی بیشتر می‌شود. در کشور ما که میزان بالاترین درآمدهای جامعه به چند برابر پایین‌ترین آن‌ها می‌رسد نباید از قاچاق کالا که در تداوم این نابرابری بی‌تأثیر نیست به سادگی گذشت^{۱۱}، زیرا نامتعادل‌تر شدن توزیع درآمد از دستاوردهای قاچاق کالا است. اگر درآمدهای سرانه به طور غیرعادلانه توزیع شود، این عدم تعادل در توزیع درآمد نشان‌دهنده بافت‌های غیرمتجانس و تنیده در کالبد اقتصاد کشور است و اقتصاد گسترده غیررسمی و معاملات ملی قاچاق از مهم‌ترین دلایل ظهور و تشدید فقر

موجود ارزیابی می‌شود.^{۱۳}

۳. افزایش انحصار و رانت خواری^{۱۴}

شکل گیری باندهای مافیایی^{۱۴} - که در اختیار داشتن کارگاه‌های مجهز در مبدأ و مقصد، برخورداری از رفاه مالی، بهره گیری از رانت، انحصار و توسل به خشونت در مواقع لزوم، از ویژگی‌های آنان است - در نتیجه گسترش قاچاق است. جدول ماتریسی مؤسسه چشم انداز اقتصادهای بین‌المللی با عنوان «فساد در اقتصاد جهان» چندی پیش منتشر شده است. در این جدول که بر پایه میانگین موزون سه شاخص فساد، کارایی مقررات اداری و دستگاه قضائی تنظیم گردیده است، متأسفانه کشور ما از این نظر جایگاه مطلوبی ندارد.^{۱۵}

انحصار و رانت‌خواری از مصادیق بارز فساد اقتصادی است. به لحاظ تئوری، اعمال هر نوع محدودیت برای واردات آزاد کالای خارجی به بهانه حمایت از صنایع داخلی یا اعطای مجوز واردات آن‌ها به صورت گزینشی بستر مناسبی برای رانت‌جویی است. ایجاد محدودیت بر روی کالاهای وارداتی در قالب وضع تعرفه و دادن جواز واردات کالاهای خارجی به افراد خاص از جانب دولت یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد ایران بوده است. این رویکرد منفعت طلبانه به هر علتی که دنبال شود هزینه‌هایی برای جامعه در بر دارد و موجب ناکارآمدی اقتصاد ملی و سلب اعتماد عمومی به کارگزاران اقتصادی خواهد شد. در اقتصاد رانتهی، ثروت و درآمد ناشی از تلاش و کوشش فردی و اجتماعی نیست بلکه گاه تصادفی، انحصاری، زاییده فساد مالی و زدوبندهای پنهان است.^{۱۶}

بسته‌بودن و رانتهی‌بودن سیستم اقتصادی کشور سبب شکل گیری انحصارات مختلف و ایجاد مسیرهای گوناگون واردات غیر رسمی گردیده است؛ یکی از این مسیرها، انحصار اخذ مجوز واردات کالا است که به «شبه قاچاق» تعبیر می‌شود. انحصار آشکار و پنهان در واردات کالا از بزرگ‌ترین معضلات تجارت خارجی بوده و نتیجه تصمیمات مقطعی ناشی از مشکلات ارزی است که به ضرر مصرف کنندگان است زیرا آن‌ها را از بسیاری کالاهای مصرفی محروم می‌کند. برخی از

انحصارات نیز ناشی از اقدام‌های برخی از ارگان‌های دولتی است که با هدف ایجاد فرصت برای شرکت‌های زیرمجموعه صورت می‌گیرد، به عقیده کارشناسان نقطه عطفی در گسترش قاچاق کالا بوده است؛ بدین لحاظ پدیده قاچاق کالا در کشور یک مسأله سیاسی - اقتصادی است که می‌تواند پیوند محکمی با ساختار قدرت برقرار کند این اقدام توسط بخش‌هایی از حکومت و با سوء استفاده از مجوزهای قانونی صورت می‌گیرد.^{۱۷}

در شرایط فوق چنانچه انحصارگران اقتصادی به وجهی وجیه، فارغ از محدودیت‌های دولتی و برخوردار از ارتباطات غیررسمی و تمهیدات قانونی به امر قاچاق اشتغال ورزند، نباید چندان عجیب باشد. برای مثال از مسیرهای غیررسمی و اسکله‌های غیرمجاز، کالای قاچاق به کشور وارد می‌شود.^{۱۸}

از دیگر پیامدهای قاچاق در اقتصاد رانتهی، کاهش امنیت اقتصادی و متعاقب آن نزول سرمایه‌گذاری و در نتیجه پایین ماندن رشد اقتصادی^{۱۹} است. فراموش نکنیم مقررات پیچیده‌ای که به تدریج بخش خصوصی را از اقتصاد رسمی کنار زده سبب شده است بسیاری از کسانی که می‌توانستند به طور سالم فعالیت اقتصادی انجام دهند به اقتصاد غیررسمی روی آورند. در اقتصاد غیررسمی نپرداختن حق بیمه و خدمات استاندارد و عادت به رانت‌خواری به سرعت گسترش پیدا می‌کند، زیرا درآمد آن زیاد و قید و بندهای قانونی کم خواهد شد، در این فضای مساعد، قاچاق کالا نقش مسلط به خود می‌گیرد و منشاء آن سوء استفاده‌های علنی و ظاهراً قانونی فراهم آمده از موقعیت‌های خاص سیاسی یا اجتماعی و نیز دسترسی زود هنگام به اطلاعات مهم اقتصادی است.^{۲۰}

در حال حاضر بخش عمده بازرگانی خارجی در اختیار دولت است. در این رابطه سهم منابع رانتهی از کل درآمدهای عمومی دولت طی سال‌های ۷۶-۱۳۷۲ به ترتیب ۷۲/۱، ۷۳/۲، ۶۶/۵ و ۵۲/۹ درصد محاسبه شده است که از این طریق حدود ۱۲۰ هزار میلیارد ریال درآمدهای رانتهی ایجاد می‌شده است.^{۲۱}

وجود اقتصاد رانتهی و غیررسمی آثار تئوری سیاست‌های تنظیمی را افزایش می‌دهد و با رشد اقتصاد رسمی رابطه‌ای

معکوس دارد چرا که بین بخش غیررسمی و شاخص‌های زیربنایی و ساختاری دولتی رابطه منفی برقرار می‌کند و به عکس با کاهش آن، درآمدهای مالیاتی^{۲۳} و در پی آن بهبود کیفیت کالاها و خدمات حاصل می‌شود و به رشد اقتصادی کمک می‌کند. این رشد به همان میزان که در کاهش حجم فساد دستگاه‌های دولتی و کنترل رانت‌خواری و انحصار مؤثر است در ارتقای قدرت رقابت پذیری بازار نیز اثر مثبت دارد. رابطه میان اقتصاد سایه‌ای (قاچاق) و مفاسد اقتصادی (رانت خواری) محکم و پایدار است؛ بر این مبناست که قانونگذار با درک صحیح از اهمیت مسأله مبارزه با قاچاق و افزایش رانت خواری حاصل از آن، در فروردین ۱۳۸۵ دولت را مکلف کرد کلیه انحصاراتی که به موجب دستورالعمل‌ها، مقررات یا اعطای امتیاز تخصیص منابع ایجاد شده است لغو و اقدام‌های قانونی برای جلوگیری از فعالیت‌های انحصارگرایانه که با تداوم قاچاق بر دامنه آن افزوده می‌شود، به عمل آورد.

۴. جذب نقدینگی و مشکلات پولی

شبکه قاچاق، بدون واسطه، بازار کشور را به سهل‌الوصول‌ترین بازار برای اجناس خارجی تبدیل کرده است. این شبکه، با ارزش چند میلیارد دلاری نیاز به تأمین مالی وسیع دارد، پس بخشی از نقدینگی کشور که در شرایط ایده‌آل می‌توانست در مبادلات رسمی یا فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری شود طبعاً صرف قاچاق خواهد شد. وجود صدها هزار میلیارد ریال نقدینگی در جامعه و نیاز بازار به کالاهای خارجی قسمتی از این مبلغ را به سوی خود خواهد کشید.

قاچاق کالا آسیب‌هایی هم به جریان پولی کشور وارد می‌کند که از مهم‌ترین آن‌ها خروج ارز از کشور و پولشویی است؛ پولشویی فرایند تبدیل پول‌های غیرقانونی حاصل از فعالیت‌های خلاف قاعده به پول‌های قانونی برای وارد کردن به سیستم پولی کشور یا انتقال به خارج از کشور است.^{۲۳} ورود پول‌های سیاه^{۲۴} به عرصه اقتصاد و بازار، با روند طبیعی اجرای سیاست‌های مالی و پولی و سرمایه‌گذاری اصولی منافات دارد، ضمن اینکه به برنامه‌ریزی‌های اقتصادی دولت آسیب وارد می‌کند.^{۲۵} دکتر صحرایان رییس مرکز پولشویی سازمان ملل

متحد، کشور ایران را بعد از سوئیس با ۱۱/۸ میلیارد دلار دومین محل پولشویی در جهان معرفی می‌کند. این مبلغ در خارج از مرزها به کالا تبدیل شده و به‌وسیله قاچاقچیان کالا و مواد مخدر به کشور وارد و به ریال تبدیل می‌شود سپس وارد صندوق‌های قرض‌الحسنه و موسسات مالی خارج از نظارت بانک مرکزی شده و از آنجا به بانک‌های رسمی منتقل می‌شود، بعد از آن توسط صراف‌ها به ارز تبدیل یا از طریق گشایش اعتبار مجدداً از کشور خارج می‌گردد. بطور اعم می‌توان گفت قاچاق کالا و مواد مخدر عمده‌ترین منابع درآمدی پولشویی در ایران است و مثلث پولشویی، قاچاق کالا و قاچاق مواد مخدر در پیوند ناگسستنی با یکدیگرند.

نقدینگی بالا و تقاضا برای اوراق بهادار در جامعه را نمی‌توان بی ارتباط با درآمدهای حاصل از قاچاق و مقاصد پولشویانه دانست. پول کثیف و سیاه به شکل آثار هنری، فلزات گرانبها یا اشیای عتیقه به‌طور غیررسمی از کشور خارج یا به آن وارد می‌شود. به لحاظ ارتباط نزدیک قاچاق با پولشویی می‌توان امیدوار بود اگر قاچاق ریشه کن شود پولشویی به حداقل برسد زیرا پولشویی وارد چرخه اقتصاد می‌شود؛ پول حاصل از فروش کالای قاچاق وقتی وارد بانک‌های کشور می‌شود، ظاهری قانونی پیدا می‌کند و پس از پاک شدن بدون پرداخت مالیات از آن خارج شده و به دارایی‌های ظاهراً مشروع تبدیل می‌گردد، چرا که در نظام بانکی ما منشاء پول مورد سؤال نیست.^{۲۶} امروزه تعقیب جریانات پولشویی به دلیل جهانی شدن اقتصاد و کاهش کنترل‌ها در تجارت و بهره‌گیری از قاچاقچیان حرفه‌ای دشوار شده است. طبق آمارهای منتشر شده سالانه بیش از ۲/۸ تریلیون دلار در جهان، پولشویی می‌شود.

مهم‌ترین دغدغه عوامل مبارزه با قاچاق، پس از انجام گرفتن معاملات کلان غیرقانونی، مسأله پولشویی است؛ زیرا اگر بتوان در مهار و بی اثر کردن پدیده پولشویی موفقیتی به‌دست آورد در تحدید و کنترل قاچاق توفیقات بزرگتری حاصل خواهد شد. خلاصه آن که رواج پولشویی در کشور سبب کاهش درآمدهای مالیاتی دولت، بیمار کردن اقتصاد کشور و مهم‌تر از آن کم ارزش تر شدن پول ملی شده است؛

از آن جهت که با خروج ارز از کشور به منظور واردات کالای قاچاق، تقاضای ارز در بازار غیررسمی افزایش می‌یابد و این افزایش اگر با محدودیت‌های ارزی همراه شود ارزش پول رایج کشور را بیش از پیش کاهش می‌دهد.

مورد دیگر که زاییده همین عامل است آنکه، بانک مرکزی از جریان داد و ستد و تقاضای واقعی ارز برکنار مانده و نقش انفعالی به خود می‌گیرد. کما اینکه در برخی از سال‌های گذشته بانک مرکزی در بازار ارز عملاً دنباله رو بود و سرنوشت نرخ ارز را در حقیقت قاچاق تعیین کرده است.^{۲۷} با پیشرفت بازار قاچاق کالا و تقویت بازار قاچاق ارز به تدریج نظام ارزی کشور ناچار می‌شد به دنبال نرخ‌های بازار قاچاق کشیده شود.^{۲۸}

به موازات افزایش تقاضای ارز در بازار آزاد برای واردات غیرقانونی کالا نرخ ارز در این بازار بیشتر می‌شود. در واقع با افزایش مبادلات غیرقانونی به دور از نظارت‌های دولتی و افزایش تقاضا برای ارز و پول نقد برای اجرای این کار، فشارهای زیادی به پول ملی وارد می‌شود و سلامت و انضباط آن را کم کرده است و تورم‌زا خواهد بود، تورم نیز به نوبه خود به کاهش سرمایه‌گذاری و اشتغال می‌انجامد و نوع مزمن آن سبب بی اثر شدن سیاست‌های انبساطی در افزایش تولید و اشتغال و نهایتاً رشد اقتصادی خواهد شد.^{۲۹}

طبق بررسی‌های انجام شده در یکی دو دهه اخیر همواره شاهد رشد بی‌رویه نقدینگی در کشور بوده‌ایم. متوسط رشد نقدینگی طی سال‌های برنامه اول توسعه معادل ۲۵/۱ درصد و طی سال‌های برنامه دوم معادل ۳۰ درصد بوده است. این نکته حایز اهمیت است که نقدینگی باید متناسب با ظرفیت و تقاضای ناشی از رشد اقتصادی و نیاز بخش‌های واقعی اقتصاد رشد یابد اما در عمل توزیع ناهمگون رشد نقدینگی موجب کمبود نقدینگی در بخش‌های مولد و هدایت بخش اعظم آن به قاچاق شده است.

افراد ایرانی که دارای ارز در خارج از کشور هستند رغبتی به وارد کردن این ارز و فروش آن به سیستم بانکی کشور ندارند و اگر به بانک‌های خارجی بپسارند سود کمی به سپرده آن‌ها تعلق می‌گیرد، پس ترجیح می‌دهند ارز خود را به کالا

تبدیل کرده و این کالاها را به صورت قاچاق وارد کشور کنند، آنگاه با فروش آن پول زیادی به ریال بدست آورند و به بانک‌های داخل بپسارند تا سود بیشتری (تا ۲۰ درصد) نصیب آنان شود.

وزارت بازرگانی در گزارشی تحت عنوان «واردات بدون انتقال ارز» منابع تأمین ارز برای خرید کالاهای قاچاق وارداتی در خارج از کشور را معرفی و ارزش تقریبی آن را برآورد کرده است.

۵. اختلال در آمارها و داده‌های اقتصادی

قاچاق کالا شفافیت اطلاعات و آمارهای اقتصادی را از بین می‌برد و صحت آن را مورد تردید قرار می‌دهد بگونه‌ای که دیگر نمی‌تواند معرف اقتصاد واقعی کشور باشد. مثلاً آمار بیکاری واقعی را کمتر از آمار رسمی نشان می‌دهد و اثرات تورمی را بر قدرت خرید مردم بیش از حد نمایان می‌سازد.^{۳۰} قاچاق کالا صحت برنامه‌ریزی را هم زیر سؤال می‌برد. در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی فرض بر این است که نشانه‌های دریافتی از شبکه اطلاعاتی درست است و شاخص‌های موجود پوشش کاملی از جامعه مورد مطالعه و تبلور واقعی شرایط اقتصادی و اجتماعی است، اما فعالیت‌های قاچاق از این دقت می‌کاهد و تصمیمات را گمراه می‌کند.^{۳۱}

بنابراین هر تصمیم صحیح اقتصادی مستلزم تئوری و اطلاعات درست است، اقتصاددانی که با استفاده از تئوری‌های اقتصادی به دنبال آوردن راهکار و خط‌مشی است بدون داده‌های صحیح و کامل و تصویر دقیق ازوضع موجود نمی‌تواند تشخیص دهد از کدام تئوری و چگونه استفاده کند تا به بهترین راه حل در جهت تحقق اهداف از پیش تعیین شده نایل آید. وجود اقتصاد زیرزمینی اطلاعات درستی درباره متغیرهای اقتصادی به تصمیم‌گیران نمی‌رساند و طبیعی است که اطلاعات غلط تصمیم‌گیری‌های غلط و محکوم به بطلان و شکست همراه داشته باشد.

تصمیم‌های خطا در سطح کلان نیز به نوبه خود کارایی

سیاست‌های اقتصادی و سطح مشارکت و اعتماد عمومی را نسبت به آن کاهش داده و دولت را در کسب نتایج دلخواه و مورد اهتمام، دچار مشکل می‌کند.

۶. افزایش گرایش از تجارت رسمی به سمت قاچاق

با روند فزاینده و تدریجی اقتصاد زیرزمینی^{۳۳} در کشور، تلاش‌هایی در جهت اندازه‌گیری آن از سوی پژوهشگران طی ۱۵ سال گذشته صورت گرفته است که میانگین نسبت حجم اقتصاد زیرزمینی به اقتصاد رسمی (تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری شده) در ایران از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۷ از ۶ درصد تا ۸۶ درصد برآورد شده است.^{۳۳}

روند فوق در شرایطی است که مالیات مورد نیاز دولت، حقوق و عوارض متعدد همراه با بوروکراسی^{۳۴} اداری و محدودیت‌های فراوان بازرگانی که به دوش بخش رسمی است، فعالیت قاچاق متحمل چنین مشکلاتی نیست، لذا گرایش از تجارت رسمی به قاچاق بیشتر می‌شود. البته این به معنای آن نیست که همان کسانی که در تجارت رسمی اشتغال دارند وارد بخش غیررسمی می‌شوند بلکه بدان معناست که تجارت رسمی کم‌کم تضعیف یا حذف می‌گردد و فعالیت‌های سوداگرانه پاسخگوی نیاز داخل می‌شود.

با اندکی تعمق در خواهیم یافت اقتصاد قاچاق، برملا کننده نارسایی‌های اقتصاد رسمی است؛ یعنی کمبود کالاها و خدمات را به نوعی نمایان می‌سازد. این واقعیت علاوه بر آنکه اقتصاد قانونی را نزد افکار عمومی ضعیف جلوه می‌دهد کوشش فعالان اقتصادی را به بخش غیررسمی که دارای موقعیت درآمدی و اجتماعی بهتری است بیشتر می‌کند. اگر در سایه امنیت اقتصادی، فعال اقتصادی بدانند به روشنی از چه تکالیف و امتیازاتی برخوردار است و بتواند بدون نگرانی از خطرات پیرامونی به برنامه‌ریزی درازمدت دست بزنند و از سرمایه‌گذاری با مقاصد عالی و اهمه‌ای نداشته باشد هیچگاه به فکر دستیابی به سود بیشتر در زمان کوتاه‌تر نخواهد افتاد اما اگر در تجارت قانونی تحت فشارهای بیهوده قرارگیرد و اعتماد او به آینده سلب شود به دنبال برداشت سود سرمایه و

منافع خود در کوتاه مدت خواهد افتاد؛ بعید نیست که از این رهگذر به قاچاق هم روی آورد و به سبب خلاصی از هزینه‌ها و تشریفات قانونی^{۳۵}، علاقه و عمل به این امر در او استمرار یابد.

در سال ۱۳۸۴، تنها در گمرک، ۶۴۲۵۴ فقره پرونده قاچاق تشکیل شده که ارزش ریالی آن‌ها ۱۵۷۹ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال بوده است و در مقایسه با سال ۱۳۸۳، ۱۸/۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۴ از محل پرونده‌های قاچاق کالا، ۱۱۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال جریمه از قاچاقچیان وصول شده که نسبت به سال قبل از آن بیش از ۳۷۲ درصد رشد داشته است.

در همین سال ۱۳ هزار و ۸۲۶ فقره پرونده قاچاق کالا به ارزش ۲۷۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال در مراجع قضائی محکوم شده‌اند که از نظر ارزش ۲۱/۸ درصد افزایش داشته است.^{۳۶}

۷. تضعیف و کاهش تولید داخل

حیات اقتصادی هر کشور وابسته به تولید بوده و تولید مهم‌ترین عامل پویایی سرمایه‌های مالی و انسانی است، زیرا تولید به اندازه‌ای در رشد مؤلفه‌های ارزشی و اجتماعی مؤثر است که اگر سطح آن پایین باشد توسعه این مؤلفه‌ها به خطر خواهد افتاد. ابتکارات در سایه تولید شکل می‌گیرد، منابع در جهت ایجاد ارزش افزوده تجهیز می‌شود، فرصت اشتغال فراهم می‌شود، سطح درآمدهای ملی ارتقا می‌یابد، رفاه اجتماعی بیشتر می‌شود و امنیت اقتصادی حاکم می‌گردد.^{۳۷}

بسیاری از کشورها در برابر اقتصاد زیرزمینی و از جمله پدیده قاچاق واکنش نشان می‌دهند. مثلاً هم اکنون در اروپا، امریکای جنوبی، آسیای جنوب شرقی و کانادا، قاچاق سیگار به دلیل سود سرشار، سادگی ورود و جریمه‌های سبک رواج یافته و در مواردی جایگزین قاچاق مواد مخدر شده است. در کشوری مانند کانادا برنامه ملی ضد قاچاق سیگار با اعمال سیاست‌های مالیاتی از سال ۱۹۹۴ م شروع شده است.

قاچاق و دامپینگ^{۳۸} داخلی، سبب اختلال و گسیختگی در نظم و برنامه‌ریزی‌های تولیدی شده و هزینه‌های جانبی را

افزایش می‌دهد. این هزینه‌ها که متوجه تولید کنندگان ایرانی است قیمت تمام شده کالا را به میزانی که نتواند با کالاهای وارداتی برابری کند، بالا می‌برد.

- پرداخت مالیات با نرخ بالاتر از ۶۰ درصد.
- نرخ بالای ارز با هزینه ثبت سفارش در حدود ۱۷ درصد.
- الزام به واردات از طریق اعتبار اسنادی که در نتیجه به خرید گران تر خریدار و فروشنده منجر می‌شود.
- پرداخت وجه کالاهای خریداری شده قبل از ترخیص.
- الزام به دریافت کد اقتصادی از خریداران.
- پرداخت عوارض گوناگون مانند شهرداری، آموزش و پرورش، حفاظت محیط زیست و...
- الزام به پرداخت سود بازرگانی و حقوق گمرکی تا ۷۰ درصد.
- الزام به خرید مواد اولیه.
- هزینه‌های تأمین نقدینگی.
- افزایش نرخ آب، برق، گاز و تلفن.
- هزینه حمل و نقل.
- افزایش حقوق سالانه کارکنان.^{۱۷}

با اجرای قواعد الزام آور فوق-که ممکن است بخشی از آن دستخوش اصلاح شده باشد- تمایل به شروع و ادامه فعالیت‌های تولیدی کاهش پیدا کرده و سطح نهایی آن پایین می‌آید.^{۱۸} با این وضع قاچاق کالا میان تولید کنندگان داخلی تنش و بین تولید کنندگان داخل و وارد کنندگان اجناس قاچاق رقابت نابرابر به وجود می‌آورد و امنیت شغلی هزاران کارگر را به خطر می‌اندازد.

به اعتقاد کارشناسان حدود یک سوم نیروی کار کشور در بخش اقتصاد زیرزمینی متمرکز است که از این مقدار بیش از ۵۰ درصد را قاچاق تشکیل می‌دهد.

به ازای هر ۴ میلیارد دلار کالای قاچاق در سال، ۸ درصد تولیدات داخل دچار افت می‌شود، زیرا قاچاق، بزرگتر شدن بخش خدمات و کوچک‌تر شدن تولید و حتی سقوط واحدهای تولیدی را تسهیل می‌کند.

گفته می‌شود در اثر قاچاق، برخی از صنایع داخلی مانند کبریت‌سازی، عینک‌سازی، وسایل ارتباطی و مخابراتی، ساعت‌سازی، شکر، ماشین آلات بسته‌بندی، فرش ماشینی

و ... که توان کافی برای رقابت با تولیدات ارزان و مشابه خارجی را ندارند با زیان‌دهی، کاهش تولید، افزایش ریسک، تصمیم برای فروش وحتى تعطیلی روبرو شده‌اند.^{۱۹} کاهش تولید داخلی ناشی از قاچاق سبب کم شدن رقابت پذیری می‌شود و کشوری که رقابت‌پذیری در آن کم شد سهمش از کل صادرات اجناس کم، و به واردات اضافه می‌گردد. کاهش اشتغال در بخش تولید با افزایش جذب نیروی کار در بخش‌های دیگر اقتصادی غیرقابل جبران است. با کاهش بهره‌وری و تنزل اقتصادی، تراز پرداخت‌ها^{۲۰} رو به وخامت می‌گذارد و عقب ماندگی صنعتی نسبت به رقیب و باز ماندن از توسعه در معیارهای جهانی اتفاق می‌افتد^{۲۱} و در نتیجه، پیوستن کشور به سازمان تجارت جهانی با تأخیر مواجه می‌شود؛ چرا که لازمه ورود به این سازمان افزایش کیفیت و رقابت پذیری کالاهای تولیدی در مقایسه با اجناس مشابه خارجی و رفع موانع تولید است. در حال حاضر حدود ۱۵۰ کشور جهان به عضویت سازمان تجارت جهانی در آمده‌اند و ۹۷/۵ درصد از تجارت دنیا به دست این سازمان در حال اجراست. اگر ایران به این سازمان ملحق شود کشوری مانند امارات دیگر نمی‌تواند با برخورداری از معافیت‌های قانونی کالاهای ایرانی را جذب کرده و با بسته‌بندی جدید به نام خود صادر یا قاچاق کند. از دیگر مزیت‌های آن، تخصصی شدن بیشتر کالاهای تولید داخل، باز شدن فضای اقتصاد و خروج از اقتصاد معیشتی است. بنابراین چنانچه با قاچاق که مانع سودآور شدن تولید داخلی است، مقابله اساسی نشود پیوستن دائم به سازمان مذکور نیز دشوارتر خواهد شد.^{۲۲}

داده‌ها و اسناد قابل دسترس در ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا به عنوان مهم‌ترین مرکز تخصصی در زمینه قاچاق، مستند به گزارش‌ها و آمارهای ارائه شده از سوی بنگاه‌های اقتصادی اعم از صنعتی و کشاورزی و دیگر دست‌اندرکاران و منابع اطلاع رسانی- که طرح آن‌ها در این مقاله نمی‌گنجد- نشان دهنده کاهش تولید در بسیاری از محصولات داخلی مانند: پوشاک و منسوجات، دخانیات، لوازم خانگی، لوازم آرایشی آهن آلات، رایانه و متعلقات، کاشی و سرامیک، لوستر و لامپ، مبل، کفش،

اسباب‌بازی، چای، دارو و شیر خشک، وسایل صوتی و تصویری و... به موازات افزایش واردات اجناس مشابه از طریق قاچاق است.

برای مثال درصد قابل ملاحظه‌ای از نیاز کشور به محصولات نساجی از طریق قاچاق و واردات تأمین می‌شود. ادامه روند فعلی می‌تواند صنعت نساجی را با مشکل روبه‌رو کند. ظرفیت فعلی تولید پارچه طی سال ۸۴، ۸۰۰ میلیون متر مربع بوده که این رقم به ۶۰۰ میلیون متر کاهش یافته است؛ واردات و قاچاق، دلیل اصلی آن است. درصد بالایی از واحدهای تولیدی وضع مناسبی ندارند و بالاچار بسیاری از آنان برای حفظ سهم ۱۰ درصدی خود از بازار داخلی، از مارک‌های خارجی استفاده می‌کنند.

۸. اخلال در توسعه مناطق مرزی

بسیاری از مناطق مرزی فاقد زیرساخت‌های اقتصادی مناسب و امکانات فنی، صنعتی و کشاورزی کافی هستند. اگر شاخص‌های دسترسی به آب آشامیدنی سالم در تهران ۹۹ درصد باشد در برخی از استان‌های محروم کمتر از ۵۰ درصد است، در شرایطی که نرخ رشد طبیعی جمعیت در این شهر به کمتر از یک درصد رسیده در برخی از مناطق مرزی مانند سیستان و بلوچستان بیش از ۴ درصد است. در مورد شاخص‌های دیگر مانند بهداشت و رفاه نیز وضع همین گونه است و فاصله چشمگیری میان مناطق توسعه یافته و استان‌های محروم کشور وجود دارد. برای مثال نرخ باسوادی زنان در تهران بر پایه آمارهای سال ۸۰ نزدیک به ۸۵ درصد و در استان سیستان و بلوچستان ۴۸ درصد بوده است. یک بررسی در سال ۸۱ نشان می‌دهد در شرایطی که ضریب توسعه یافتگی شهرهای تهران و اصفهان به ترتیب ۰/۹۶۵ و ۰/۸۶۱ بوده این ضریب در استان‌های مرزی سیستان و بلوچستان و ایلام به ترتیب ۰/۰۴۰ و ۰/۱۱۷ است. این توسعه نامتوازن، علل و پیامدهای بسیاری دارد که بارزترین آن‌ها مهاجرت و حرکت سرمایه‌های موجود از مناطق محروم^{۱۵} و نرفتن دیگر سرمایه‌ها به آنجا (به دلایل مختلف) است. مبادلات مرزی هم که اغلب، فاقد توجیحات اقتصادی

بوده و صرفاً با ملاحظات سیاسی و اجتماعی توسط دولت تجویز شده است نتوانسته است مناطق مرزی را به توسعه مطلوب رهنمون کند.

با اینکه در گذشته بسیاری از نواحی مرزی کشور از امکانات و اقلیم مناسب زندگی برخوردار نبوده‌اند اما بخش اعظم این مشکلات هنوز به قوت خود باقی است، تا اندازه‌ای که در مهاجرت مرزنشینان به برخی از کشورهای همجوار یا رشد قاچاق کالا علیرغم همه تمهیدات دولتی - از جمله مزایای قانونی مبادلات مرزی، رساندن کالای دولتی به دست مردم و تلاش در جهت بهبود معیشت آنان - بی تأثیر نبوده است.^{۱۶}

هم اکنون بخشی از اعتباراتی که می‌تواند صرف عمران و آبادانی شهرها و روستاهای مرزی شود، عملاً صرف مبارزه با قاچاق می‌شود. رواج و سوددهی قاچاق در نواحی مرزی فعالیت‌های مفید و مقرون به صرفه صنعتی و کشاورزی را تحت الشعاع قرار داده و به عدم استقبال کشاننده و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را در توسعه این مناطق - که بعضاً دستخوش ناامنی‌های اجتماعی نیز هست - دچار تردید کرده است. با گسترش قاچاق به بهای این سودجویی وقوع پدیده‌های دیگری نظیر راه‌بندان، گروگان‌گیری و درگیری با مأموران دولتی مسبوق بوده است.

این اتفاقات نه تنها اسباب سرمایه‌گذاری را فراهم نکرده بلکه سرمایه‌گذاران بومی را نیز به سرمایه‌گذاری در نقاط دیگر سوق داده است، ضمن اینکه انگیزه سرمایه‌گذاری در این مناطق را به لحاظ دوری از بازار فروش و فقدان ساختار اقتصادی^{۱۷} مطلوب کاهش داده و منتهی به استمرار وضع توسعه نیافته حاضر شده است.

۹. کاهش درآمدهای دولت

براساس تحقیقات صندوق بین‌المللی پول، اگر یک اقتصاد، ۱۲۰ میلیارد دلار تولید داشته باشد و نسبت اقتصاد زیرزمینی تنها ۱۳ درصد فرض شود حجم مبادلات زیرزمینی چیزی در حدود ۱۴ میلیارد دلار خواهد بود.

اگر سالانه فقط ۲۶۸۵ میلیون دلار کالای قاچاق به کشور وارد شود میزان درآمدی که دولت به علت ورود کالا از طریق

میادی غیررسمی از دست می‌دهد معادل ۴۲۹۶ میلیارد ریال خواهد شد که این رقم، ۹۲ درصد کل درآمد گمرک در سال ۱۳۷۹ که ۴۶۸۲ میلیارد ریال بوده است.^{۴۱}

درآمد، معیاری مهم جهت تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های اقتصادی و ابزاری مؤثر برای اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی، سنجش درجه رفاه و قدرت اقتصادی کشور است. از دیگر آثار قاچاق کالا بر اقتصاد ملی، کاهش درآمدهای ارزی - ریالی و سلامت مالی دولت است. در شرایطی که دولت برای تأمین هزینه‌های خود با کسری درآمد روبروست، از دریافت سود بازرگانی^{۴۵} و عوارض گمرکی^{۴۶} به‌عنوان درآمدهای قابل حصول محروم و به کمبود بودجه گرفتار می‌شود؛ به جای اینکه این درآمدها را وارد خزانه خود کرده و صرف تولید کالاهای مشابه و رقیب کند به جیب واسطه‌ها و طرف‌های خارجی می‌رود.

برآورد سال ۱۳۷۷ نشان‌دهنده این مطلب است که به ازای هر یک میلیارد دلار کالای قاچاق وارداتی حداقل ۱۰۰۰ میلیارد ریال درآمد گمرکی دولت وصول نمی‌شود.^{۴۷} برآورد سال ۱۳۷۸ نیز نشان می‌دهد درآمد از دست رفته دولت از کالاهای قاچاق شده (با احتساب ۵۰ درصد حقوق گمرکی و سود بازرگانی اینگونه کالاها که اغلب لوکس و مصرفی هستند) بالغ بر ۱/۲ هزار میلیارد ریال است.

برآورد دیگری نشان می‌دهد به ازای هر ۴ میلیارد دلار قاچاق کالا، مبلغی در حدود ۲۰ تریلیون و ۵۰۰ میلیارد ریال وجه کمتر به صندوق دولت واریز می‌شود.^{۴۸} همچنین برآورد میزان خسارت وارد به صندوق دولت در سال ۱۳۸۰ برای تعداد ۷ قلم کالای کثیرالقاچاق شامل تلویزیون، پارچه، قطعات رایانه، لوازم بهداشتی و آرایشی، لوازم یدکی خودرو، موز، گوشی تلفن همراه و سیگار بدون محاسبه مالیات بالغ بر ۱۰ هزار و ۳۱۰ میلیارد ریال بوده است.

مجموع زیان‌های وارد به خزانه دولت از محل عدم وصول حقوق ورودی بابت معافیت کالای همراه مسافران وارد شده از گذرهای مرزی نیز طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ به بیشتر از ۲۰۰۰ میلیارد ریال رسیده است.

منبع مهم دیگر برای تأمین درآمد دولت، جمع‌آوری مالیات است.

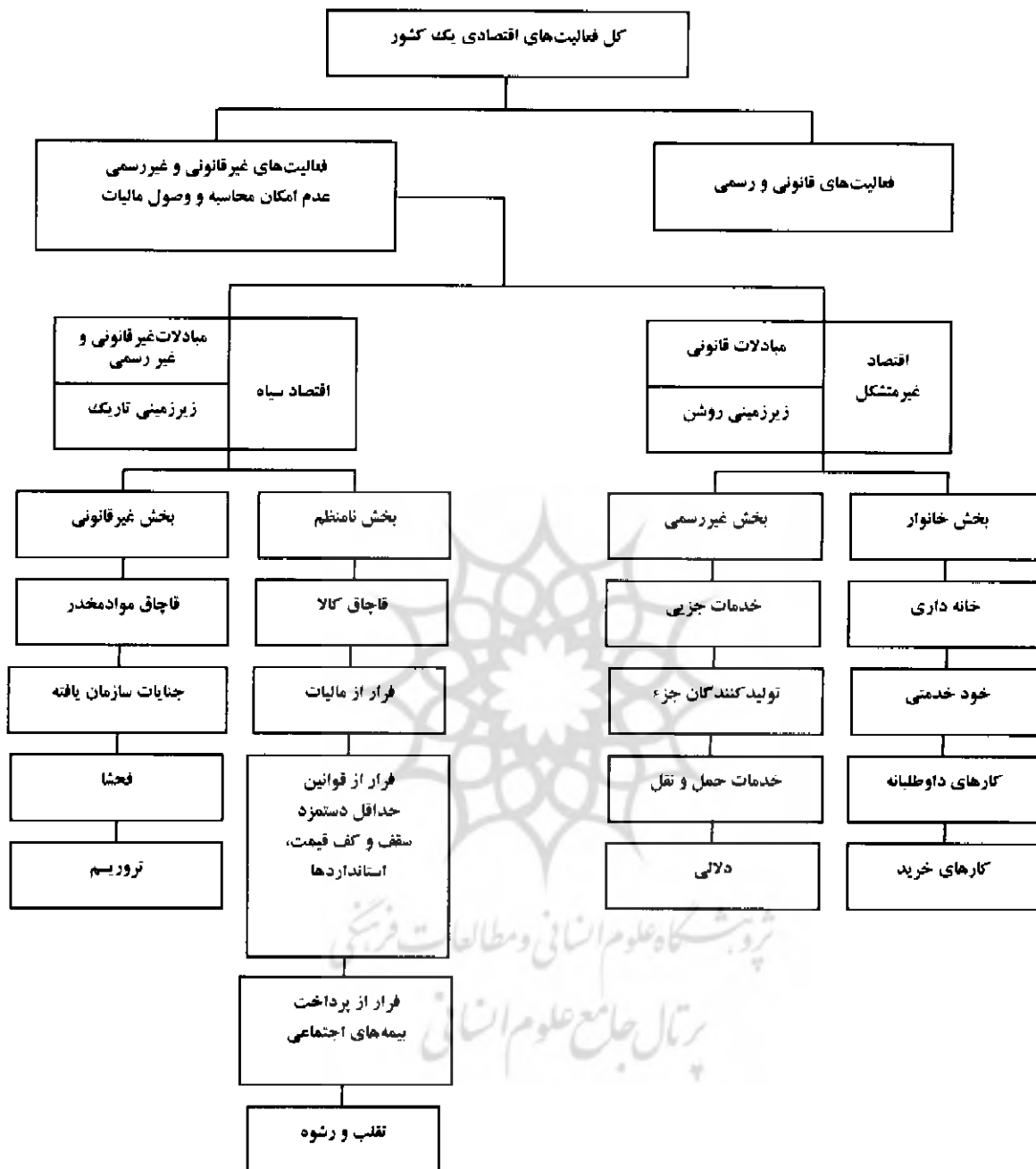
قاچاق و اقتصاد سیاه مانع دولت در ایجاد درآمد کافی از طریق مالیات می‌شود، زیرا فرار مالیاتی در قاچاق آثار اقتصادی خود را بر روی بودجه و دیگر متغیرهای اقتصادی مانند نرخ تورم و اشتغال می‌گذارد و درآمدی که از تولید و مصرف کالا در بازار رسمی می‌توانست عاید خود کند در بازار مخفی قاچاق، پنهان می‌ماند و به صندوق دولت واریز نمی‌شود.

از دیگر تبعات منفی کاهش درآمدهای مالیاتی اختلال در سیاست‌های حمایتی دولت از افراد آسیب‌پذیر و تولیدات داخلی و افزایش فشار مالیاتی به بخش رسمی اقتصاد و حقوق بگیران است، همچنین اجبار دولت به استقراض خارجی، را در شرایطی خاص سبب خواهد شد. تحمیل این بدهی سنگین و عجز از بازپرداخت آن به نوبه خود می‌تواند زمینه ساز دخالت کشورها یا نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی در امور داخلی کشور شود.

کاهش درآمدهای مالیاتی از این نظر که انگیزه سرمایه‌گذاری را تضعیف و تأمین منابع مالی آن را دشوار می‌کند نیز حایز اهمیت است. و بالاخره قاچاق کالا حق مالیات بندی و توان مالیات ستانی دولت را به عنوان یکی از مولفه‌های حاکمیت اقتصادی خود تحت تأثیر قرار می‌دهد.^{۴۹}

نمودار زیر، جایگاه اقتصاد زیرزمینی و قاچاق را در کل فعالیت‌های اقتصادی نشان می‌دهد.

اقتصاد زیرزمینی به ۴ بخش تقسیم شده است که هر چه از بخش اول یعنی زیرزمینی روشن، به سمت سایر بخش‌ها جلو می‌رویم روشنایی و شفافیت آن کاهش یافته و مبهم‌تر می‌شود، چنانکه اندازه‌گیری آن مشکل‌تر، ماهیت فعالیت‌ها ناشناخته‌تر و فعالان آن ناشناس‌تر می‌گردند و نیز امکان محاسبه و وصول مالیات به علت همین پنهانی بودن سلب می‌شود.



نمودار ۱: جایگاه قاچاق کالا در اقتصاد زیرزمینی ۳۳

۱۰. کاهش اشتغال

در اقتصادهای رسمی کاهش نرخ اشتغال بیان کننده قوت گرفتن اقتصاد زیرزمینی است.

در کشور ما مسأله بیکاری یکی از بحران‌های اقتصادی به شمار می‌رود. برآوردها نشان می‌دهد در صدقابل ملاحظه ای از جمعیت جوان کشور جویای کار می‌باشند. اگر امیدوار باشیم که برنامه‌های کنترل جمعیت به خوبی اجرا شود در سال ۱۴۰۰ ه.ش با ۳۵ میلیون نفر متقاضی شغل روبرو خواهیم بود. هم اکنون نیز سالانه به ۱ میلیون شغل احتیاج است.^{۴۹}

جمعیت ۶۹ درصدی ۱۵ تا ۶۵ ساله که جمعیت فعال کشور به حساب می‌آید و مبنای محاسبه اشتغال و بیکاری است باری سنگین بر دوش کشور است.

تنها راه گریز از مشکل اشتغال، بهبود فضای کسب و کار خواهد بود که این فضا در کشور ما در رده‌های پایین بین کشورهای در حال توسعه قرار دارد. این مسأله ناشی از افزایش جمعیت مستعد کار و ناکافی بودن فرصت‌های شغلی برای نیروی کار بوده و با تداوم وضع موجود سالانه ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار نفر به جمعیت بیکار کشور اضافه خواهد شد. در این سال‌ها کیفیت اشتغال نیز مطلوب نبوده و به سمت بخش خدمات گرایش داشته است. تمرکز بر بخش خدمات، خود سرآغاز مشکلات متنوعی همچون تورم ساختاری - که هم علت و هم معلول فعالیت‌های واسطه‌گری و قاچاق در اقتصاد است - خواهد شد.^{۵۰}

اگر نرخ بیکاری بالا باشد شکاف فقیر و غنی بیشتر می‌شود و احتمال سرخوردگی، نارضایتی، احساس محرومیت نسبی و بی‌عدالتی که زمینه‌ساز بحران مشروعیت است نیز تقویت می‌گردد. بیکاری، ارضای نیازها را مورد تهدید قرار می‌دهد و بدینی به جامعه و حکومت را به وجود می‌آورد و سبب بحران‌های اجتماعی و توسعه اعمال مجرمانه می‌شود.^{۵۱}

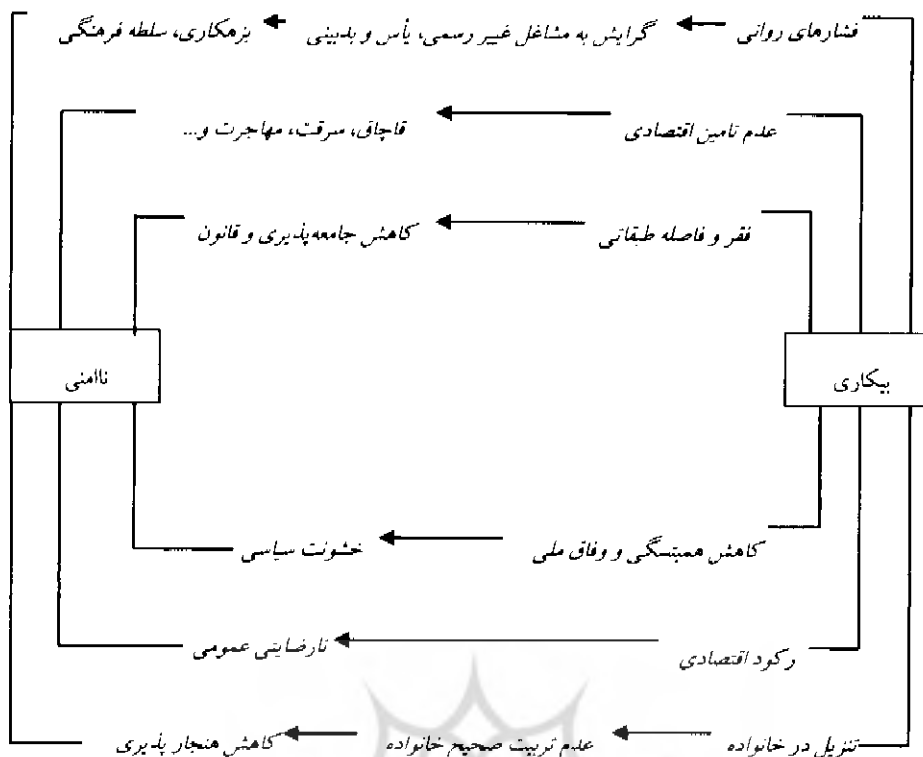
در مورد آثار قاچاق بر افزایش بیکاری باید گفت طبق

محاسبات انجام شده - که به تأیید ستاد مبارزه با قاچاق نیز رسیده است - به ازای هر یک میلیارد دلار کالای قاچاق وارداتی، ۱۰۰ هزار فرصت شغلی از دست می‌رود، به عبارت دیگر با این مبلغ می‌توان سالانه ۱۰۰ هزار فرصت شغلی ایجاد کرد، که با احتساب سالانه حداقل ۶ میلیارد دلار قاچاق، این امکان به ۶۰۰ هزار شغل می‌رسد. برخی بر این باورند که اگر تنها قاچاق کالای همراه مسافر از مبادی قانونی صورت نمی‌گرفت دولت می‌توانست سالانه صدها هزار فرصت شغلی ایجاد کند. برای مثال، اشتغال در زمینه تولید کفش به واسطه ورود کفش‌های قاچاق به کشور طی سال‌های اخیر با کاهش روبرو بوده است.

متوسط شاغلان در این بخش در سال ۱۳۷۵، ۴۶۲۲۴ نفر بوده که به ترتیب در سال‌های ۷۸ و ۸۰ به ۱۶۵۲۵ و ۱۲۸۳۰ نفر کاهش یافته است. پیش‌بینی می‌شود این بحران در انتظار ۵۰۰ هزار نفر کارگر صنایع نساجی کشور هم باشد.^{۴۶}

بنابراین قاچاق کالا سالانه با زیان‌های فراوان مادی که تحمیل می‌کند، صدها هزار فرصت شغلی قابل ایجاد را ناممکن کرده و ده‌ها هزار نفر از شاغلان بخش‌های تولیدی که به کاهش یا توقف تولید ناچار شده‌اند را از کار جدا و به خیل بیکاران ملحق می‌سازد. این مشکل بزرگ، قدرت اقتصادی را که از مهم‌ترین پشتوانه‌های امنیت ملی است تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کاهش اشتغال ملی و بالا بودن نرخ بیکاری در کشور علی‌الاصول پیامد قاچاق و استثنائاً در پاره‌ای نقاط زمینه توجه به آن هم می‌شود زیرا در وهله اول این بیکاران هستند که بخشی از آنان به لحاظ اضطرار در سطوح پایین و مراحل اولیه قاچاق، دست به قاچاق می‌زنند، فعالیتی غیرعلنی که موقتاً جویندگان کار را به خود مشغول می‌کند ولی در سطح کلان به اشتغال پایدار ملی آسیب می‌رساند.



نمودار ۲: اثرات بیکاری بر امنیت^{۴۹}

۱۱. تضعیف امنیت سرمایه‌گذاری

سرمایه شامل امکانات و ابزار تولید است که می‌تواند موجب ایجاد درآمدی جدید در دوره‌های بعدی شود. آدام اسمیت در تعریف سرمایه می‌گوید: (کسی که پس انداز او بیشتر از نیازمندی‌های چند ماهه و چند ساله‌اش باشد طبعاً سعی می‌کند که از بخش اعظم آن درآمدی کسب کند و تنها مقداری از آن را برای مخارج فوری خودش باقی بگذارد که تا وصول آن درآمد او را کفایت کند. آن بخش، که او از آن توقع درآمدی دارد، سرمایه خوانده می‌شود).^{۵۲} سرمایه از مهم‌ترین نهاده‌های تولید است و ماهیتی گریزان و تهدیدپذیر دارد. سرمایه به وقت ناامنی یا سیاست‌های ناشیانه، بدون اطلاع و به سرعت از حیطه فعالیت‌های مولد پراکنده شده و از میدان به در می‌رود.

سرمایه و سرمایه‌گذار به فضایی مساعد برای شروع کار و اطمینان به بهره‌مند شدن از نتیجه نیازمند است و تردید در این لوازم و بروز نشانه‌های ضرر و خطر، سبب انتقال به نقاط امن خواهد شد. پس امنیت سرمایه‌گذاری از مهم‌ترین ابعاد امنیت

اقتصادی هر کشور است. کشور ما از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۵ تنها ۱۱/۲ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرده حال آنکه طی سه سال گذشته کشورهای کره جنوبی، ترکیه و امارات به ترتیب ۲۷، ۶ و ۲۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته‌اند.^{۵۳}

طی نظرسنجی که چندسال پیش در مورد بازدارنده‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مشکلات مناطق آزاد تجاری ایران انجام شده شاخص «نبود امنیت اقتصادی» با ۴۰/۶ درصد رتبه نخست را به خود اختصاص داده است.

انگیزه و اشتیاق سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذار در امور تولیدی با سودآوری قاچاق کاهش می‌یابد، زیرا قاچاق در فرصت کوتاه سود سرشاری نصیب قاچاقچی می‌کند که با سود حاصل از سرمایه‌گذاری مولد بسیار متفاوت است؛ از این زاویه قاچاق کالا می‌تواند سرمایه‌گذاری‌ها را از کانال اصلی منحرف کند ضمن اینکه در انصراف سرمایه‌گذار از سرمایه‌گذاری در تولید محصولات که به صورت قاچاق هم وارد می‌شود نقش اساسی

دارد. معمولاً سرمایه‌گذاری مولد در چارچوب اقتصاد رسمی در کوتاه مدت به بازدهی مطلوب نمی‌رسد اما در بخش قاچاق این سوددهی زودتر امکان پذیر می‌شود، که تورم زاست و امنیت خاطر را از سرمایه‌گذار مولد سلب می‌کند و در نگاهی کلی به پیشرفت اقتصادی شوک منفی وارد می‌سازد.

دلایلی چون ورود و خروج کالا از مبادی غیررسمی و عدم احساس امنیت اقتصادی می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش داده و به تبع آن انگیزه قاچاق محصولات خارجی را افزایش دهد. یکی از مهم‌ترین ابزارهای موجود در دست دولت به منظور حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی، اعمال تعرفه‌های مؤثر است که قاچاق با عدم پرداخت این تعرفه‌ها، در واقع چتر حمایتی را از سرمایه‌گذاری برمی‌دارد، توان رقابتی محصولات داخلی را با اجناس مشابه خارجی کاهش می‌دهد و سود سرمایه‌گذاری را پایین می‌آورد^{۴۳}، همانند بلایی که هم اکنون بر سر صنایع کفش و نساجی آورده است. برای مثال: ایران یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان پارچه چادر مشکی است که به علت عدم سرمایه‌گذاری لازم در کشور، قسمت عمده نیاز داخلی از کشورهای آسیای شرقی به صورت قاچاق یا رسمی وارد می‌شود، درحالی‌که با سرمایه‌گذاری حدود ۵۰ میلیون دلاری در این بخش، امکان تولید ۲۵ میلیون مترمربع از این محصول در سال و صرفه جویی صدها میلیون دلار وجود دارد.

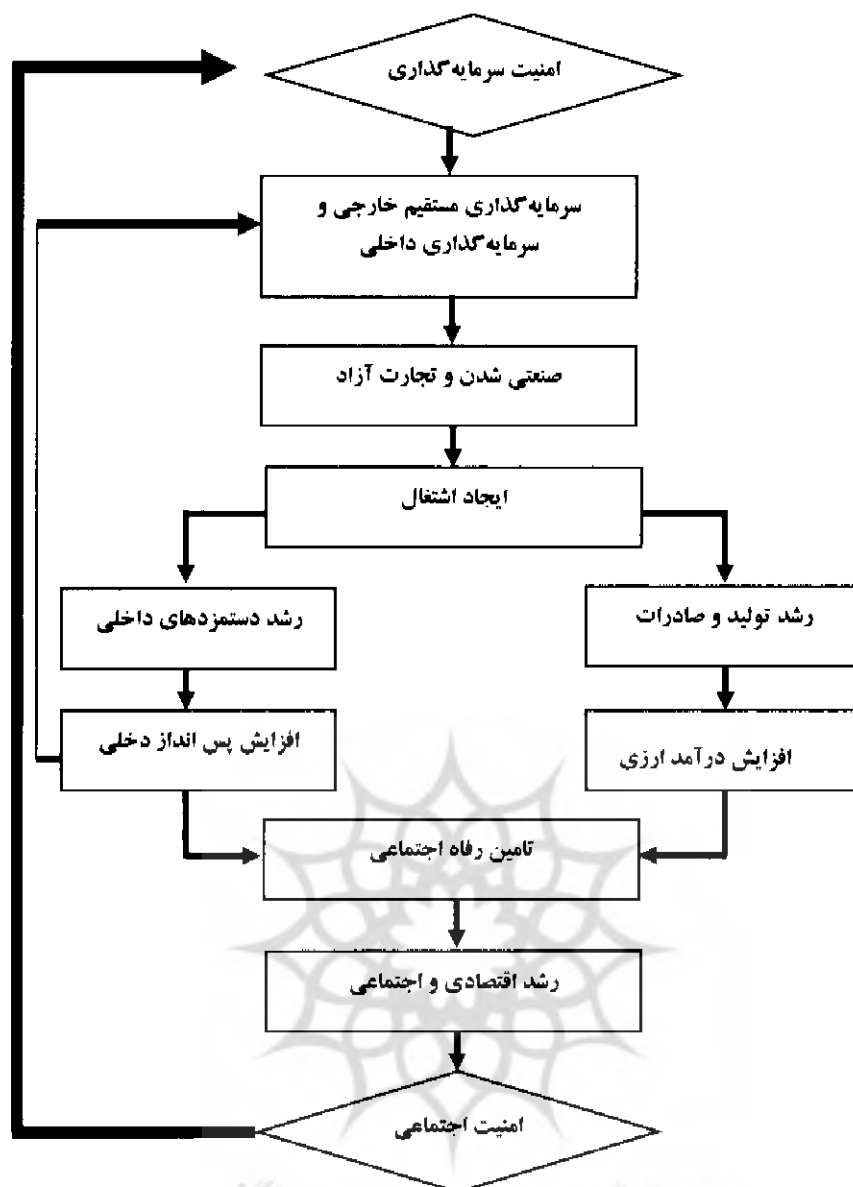
افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌های داخلی با تأمین امنیت اقتصادی رابطه مستقیم دارد و برای آنکه سرمایه‌های کشور جذب محیط‌های خارجی نشود (یا اصطلاحاً فرار نکنند) باید محیط مطلوب‌تر و بهتر داخلی فراهم گردد.

پدیده فرار سرمایه از دیگر نتایج قاچاق در سطح وسیع است.

ریسک‌های اقتصادی مانند مشخص نبودن قوانین مالکیت خصوصی، تحریم‌های اقتصادی یا قاچاق کالای می‌تواند به فرار سرمایه از کشور بینجامد^{۴۴}.

این اقدام گاهی هم به دلیل کاهش ارزش پول ملی یا فقدان ثبات سیاسی و اقتصادی صورت می‌گیرد. در مجموع بر اساس آمارهای غیررسمی سالانه ۳ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج می‌شود که کشورامارات از جذب‌کننده‌های اصلی آن است. مثلاً ۱۰ تا ۳۰ درصد خرید و فروش املاک دبی را ایرانیان انجام می‌دهند یا اینکه تا اواخر سال ۱۳۸۴ مبلغ ۲۰۰ میلیارد دلار از سوی ۴۰۰ هزار ایرانی در این بندر سرمایه‌گذاری شده است و پیش بینی می‌شود این رقم تا پایان سال ۱۳۸۵ به ۳۰۰ میلیارد دلار برسد که قاچاق، از مهم‌ترین پیوند دهنده‌های این پیش‌بینی به واقعیت است^{۴۶}.

بنابراین بازار مصرف مستمر، سودآوری مناسب، اعطای تضمینات کافی، آزادی ورود و خروج سرمایه و سود، معافیت‌های مالیاتی و گمرکی، حمایت‌های تعرفه‌ای و دولتی، ثبات سیاسی و اقتصادی، محیط کسب و کار مساعد، سیاست‌ها و قوانین شفاف، تقلیل تشریفات، خدمات عادلانه بین بخش‌های دولتی و خصوصی، مقابله بی‌امان با قاچاق و در یک کلام برقراری امنیت اقتصادی از جمله ضروریات جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و لازمه تأمین امنیت آن‌ها در یک فضای بی‌خطر^{۴۵} و مطلوب است که می‌تواند مقدمه‌ای برای استقرار و تحکیم امنیت در دیگر ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز باشد.



نمودار ۳- رابطه امنیت سرمایه گذاری (اقتصادی) و امنیت اجتماعی^{۲۰}

نتیجه گیری و پیشنهادات

امروزه با افزایش فعالیت و پراکندگی بازیگران غیردولتی مانند شبکه‌های مخفی قاچاق، توجه تحلیل‌گران و تصمیم‌گیران به سوی آن‌ها جلب شده است. این شبکه‌ها با انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی در بسیاری از حوزه‌های مغایر با منافع ملی کشورها گام بر می‌دارند و سرانجام بر امنیت ملی به ویژه مؤلفه اقتصادی آن که از عوامل اصلی قدرت در عرصه جهانی است، سایه می‌افکنند.

در این مقاله شاخص‌های امنیت اقتصادی با فرض عدم

سازش پدیده قاچاق با برخی از این شاخص‌ها به ویژه در سطح ملی تطبیق داده شد و مشخص گردید تهدیدهای اقتصادی شکننده تر از همیشه بوده و در مواردی زمینه ساز بروز دیگر تهدیدها به شمار می‌رود. در کشور ما که استراتژی توسعه اقتصادی هدفی حیاتی قلمداد می‌شود، می‌تواند به عنوان یک تهدید تمام عیار اقتصادی نظام موجود را از دستیابی به این هدف باز داشته و قدرت اقتصادی را به مثابه یکی از ارکان تضمین کننده امنیت همه جانبه و پایدار به ضعف بکشاند. دیدیم که قاچاق با معیاس وسیع قادر است رشد اقتصادی را کند نماید، احساس عدم امنیت اقتصادی را به وجود آورد، هزینه‌های پنهان را

افزایش دهد، گردش پول و کالا را آشفته سازد و عوارض زیانباری بر نظام اقتصادی تحمیل کند. همچنین نشان داده شد، مسأله قاچاق در ایراد صدمات گوناگون به کشور از جمله: رکود صنایع و تولیدات داخلی، کاهش درآمدهای دولت، تضعیف امنیت سرمایه‌گذاری، کاهش اشتغال و اختلال در سیاست‌های بازرگانی به‌عنوان پیامدهای اولیه، توانایی خود را به ظهور رسانده است.

شایان ذکر است نگاه انتزاعی و مجرمانه به قاچاق و جدال پلیسی برای درمان ریشه‌ای آن به تنهایی کافی نیست و اراده ملی و تلاش مشترک همه اجزا و ارکان نظام را می‌طلبد و لزوم استفاده از رویکردهای واقع‌گرایانه اقتصادی را گوشزد می‌کند. از این رهگذر امنیت اقتصادی پایداری و قوام بیشتری پیدا می‌کند، چرا که قاچاق کالا تهدیدی است که بیشتر به امنیت اقتصادی توجه دارد، پس سزاوار است ابزار و روش‌های مواجهه، در وهله اول از جنس تهدید بوده و عالمانه به دنبال رفع عوامل به وجود آورنده آن باشد. براین اساس ممکن است، بررسی پیشنهادی ذیل بتواند راهکارهایی برای مقابله با این معضل عرضه کند:

- حمایت سازنده از تولیدات داخلی و تقویت انگیزه بازرگانان به واردات قانونی.

- اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی در جهت افزایش ظرفیت‌های تولیدی.

- جانشین کردن محصولات داخلی به جای واردات و کاهش قیمت‌ها از طریق پایین آوردن هزینه‌های نهایی تولید.

- ساماندهی و نظارت بر ترانزیت کالا، بازارچه‌های مرزی و مناطق آزاد تجاری.

- افزایش ریسک قاچاق از طریق تشدید مجازات‌های بازدارنده.

- طراحی نظام کنترل گردش پول و کالا به منظور به حداقل رساندن سوء استفاده‌های قانونی و مالی و حذف زمینه‌های رانت جویانه در قاچاق قانونی و غیرقانونی کالا توسط بنگاه‌های اقتصادی.

- مبارزه با پولشویی و اعمال تدابیر ضد دامپینگ.

- تلاش جدی در جهت تأمین سلامت اقتصادی به منظور افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق مستعد.

- اصلاح نظام مالیاتی، کاهش موانع غیرتعارف‌های و حذف انحصارات به منظور ایجاد فضای رقابتی و جلوگیری از رکود صنایع داخلی.

- افزایش تنوع، استاندارد و کیفیت محصولات داخلی با هدف جانشین کردن این محصولات به جای واردات. (پیاده‌سازی استراتژی جایگزینی واردات)

- تلاش جدی در جهت تأمین سلامت اقتصادی به منظور افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق مستعد و متمرکز بر آن دسته از فعالیت‌هایی که بالاترین کیفیت و میزان محصول را داراست. (اصل مزیت نسبی).

پی‌نوشت‌ها

۱. خرید کالا با حفظ حق انتخاب به دور از هرگونه فعالیت غیررسمی و زیرزمینی.
۲. مقررات و ضوابطی است که دولت بر تجارت خود حاکم می‌کند. مانند تعرفه گمرکی، سهمیه بندی، تحریم تجاری، کنترل ارز و محدودیت‌های غیرتعارف‌های
۳. ارزش کالاها و خدمات تولیدی در یک کشور به قیمت جاری و در یک دوره معین.
۴. نهایوندیان، ۱۳۷۷.
۵. مقدسی، ۱۳۸۰.
۶. معاونت طرح و برنامه‌ریزی گمرک، ۱۳۸۱.
۷. داداش‌زاده، ۱۳۶۹.
۸. تغییر سطح و ساختار درآمدها و افزایش بیکاری و آسیب‌پذیری مشاغل.
۹. نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲.
۱۰. کمک دولتی برای پایین نگه داشتن قیمت مایحتاج عمومی یا سبک کردن هزینه‌ها یا افزایش تولید بصورت بلاعوض.
۱۱. مجموعه مقالات همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۲. پورزند، ۱۳۸۳.
۱۳. تلاش برای کسب منفعت با استفاده از قدرت انحصار در تولید یا توزیع کالا یا خدمات.
۱۴. هرگروه یا تشکیلات غیرقانونی و پنهانی که در راه رسیدن به اهداف غیرقانونی به صورت منظم و سازمان یافته تلاش می‌کنند.
۱۵. خانی، (۱۳۸۴).
۱۶. خضری، (۱۳۸۱).
۱۷. نورمحمدی، (۱۳۸۱).

۱۸. صحراييان، (۱۳۸۳).

۱۹. توانايي استخراج مواد زيرزميني، خلاقيت و استقلال نسبي در توليد و ايجاد رفاه كافي براي افراد كسور در زمينه انرژي، درآمد و ديگر نيازهاي ضروري هماهنگ با افزايش درآمد ملي يا ميزان توليد كالاها و خدمات در يك كسور

۲۰. سزاوار، (۱۳۸۲).

۲۱. عظيمي، (۱۳۷۹).

۲۲. مبلغی که دولت برابر قانون از اشخاص حقيقي و حقوقی برای تأمين بخشي از مخارج عمومي دريافت مي‌کند.

۲۳. طبق قانون مبارزه با پولشويي اتحاديه اروپا (به‌جز سوئيس) مصوب ۱۹۹۱، احراز هويت مشتريان و گزارش داد و ستدهای بيش از ۱۵ هزار يورو الزامي است، همچنين امريکا که توقيف درآمد ناشی از ۱۷۶ نوع فعاليت غيرقانونی حين ورود يا خروج از كسور را تجويز مي‌کند.

۲۴. پول‌های حاصل از قاچاق کالا، فرار مالياتي و بازار زيرزميني.

۲۵. موسوي، (۱۳۸۰).

۲۶. گمرک، (۱۳۸۳).

۲۷. بشارني، (۱۳۷۷).

۲۸. چيني، (۱۳۷۷).

۲۹. نيك‌پور، (۱۳۷۵).

۳۰. ميرمحمدی، (۱۳۸۲).

۳۱. حقی، (۱۳۷۷).

۳۲. فعاليت‌های غيرمجاز و غيررسمي اقتصادي که خارج از چارچوب مشخص شده، اقتصاد رسمي براي به دست آوردن درآمد بيشتر انجام مي‌شود اما از ماليات معاف بوده و در توليد ناخالص ملي (حساب‌های ملي) منظور نمي‌شود، مترادف اقتصاد سايه‌ای و اقتصاد پنهانی.

۳۳. اسفندياري و جمال‌منش، (۱۳۸۱).

۳۴. حكومت ادارات و مأموران دولت يا قدرت و نفوذ رؤسا و كاركنان ديواني حكومت. بورو به معنی اداره و كراسی به معنی حكومت است که در مجموع به حكومت كارمندان به شكلي منسجم و قانون‌مند اطلاق مي‌شود.

۳۵. شامل تمهدات گوناگون به سازمان‌های مختلف مانند تعزيرات حكومتي، سازمان نظارت و بازرسي و پرداخت انواع

عوارض و ماليات به ارگان‌های ذيربط.

۳۶. ستاد مركزي مبارزه با قاچاق کالا و ارز، (۱۳۸۵)، شماره ۹.

۳۷. نوري، (۱۳۸۳).

۳۸. Dumping، پر کردن يك بازار با كالايی به قيمت زير نرخ متعارف با هدف خارج كردن رقبا از صحنه. در دامپينگ خارجي كسورهای صنعتی از طريق صادرات محصولات با قيمت نازل‌تر به كسورهای توسعه نيافته، صنايع كوچك در اين كسورها را در معرض خطر قرار مي‌دهند.

۳۹. منظور از طرح هزينه‌های توليد داخل، صرفاً مقايسه‌ای گذرا از هزينه‌های بار شده بر محصولات توليد داخل با اجناس خارجي قاچاق است و اثرات كمرشكنی که قاچاق با فراغت از اين هزينه‌ها بر اقتصاد داخل تخمیل مي‌کند.

۴۰. مدير كل وقت مبارزه با جرائم اقتصادي ناجا، تهران: ستاد ناجا، مصاحبه نگارنده با وي، ۸۴/۵/۱۶.

۴۱. مجموعه معاملات اقتصادي در يك دوره معين بين يك كسور و بقيه نقاط جهان که بطور سيستماتيک به ثبت مي‌رسد.

۴۲. هيو، (۱۳۷۷).

۴۳. بهکيش، (۱۳۷۷).

۴۴. سيستم توليد، مناسبات و روابط دروني که بين اجزای يك مجموعه اقتصادي شامل مردم و بخش‌های اقتصادي برقرار است.

۴۵. نوعی ماليات غيرمستقيم است که براساس قانون از كالای مصرفی که وارد كسور مي‌شود دريافت مي‌شود.

۴۶. حقوقی که طبق تعرفه گمرکی وضع شده است و هنگام ورود يا خروج اجناس از قلمرو گمرکی به آنها تعلق مي‌گيرد که از وارد کننده يا صادر کننده اخذ مي‌شود.

۴۷. رفعتی، (۱۳۷۷).

۴۸. صدقی، (۱۳۸۲).

۴۹. امين صارمی، (۱۳۷۸).

۵۰. غروي نخجواني، (۱۳۸۱).

۵۱. فروغ، (۱۳۸۳).

۵۲. کاتوزيان، (۱۳۵۸).

۵۳. ميرزایی، (۱۳۸۵).

۵۴. بهرامی و قاسمی، (۱۳۸۵).

۵۵. براساس گزارش واحد هوشمند مجله اکونومیست که مورخ ۸۴/۱۰/۲ در روزنامه جهان اقتصاد منتشر شد، ایران در میان کشورهای حوزه خلیج فارس بعد از عراق دارای بیشترین ریسک اقتصادی است.

منابع

اسفندیاری، علی اصغر و آرش جمال منش، «اقتصاد زیرزمینی و تأثیر آن بر اقتصاد ملی»، پژوهشکده اقتصادی وزارت اقتصاد، سال دوم، شماره ۳، پائیز ۱۳۸۱.

افروغ، عماد، شورش‌های شهری و امنیت داخلی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.

ارشدی، علی، اثر سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

امین صارمی، نوذر، «تحلیل جامعه شناختی از تاثیرات بیکاری بر امنیت ملی»، مجله دانش انتظامی، شماره ۴ و ۳، پائیز و زمستان ۱۳۸۷.

احمدیان راد، حمیده، «اسباب بازی‌های خارجی»، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، نشریه داخلی، شماره ۶۲ بهمن ۱۳۸۴.

بهرامی، محسن و بهروز قاسمی، آسیب‌شناسی قاچاق کالا در ایران، تهران: فارابی، ۱۳۸۵.

بشارتی، م، «قاچاق کالا آفت اقتصاد ملی»، روزنامه همشهری، (۱۳۷۷/۲/۲۱).

بررسی ابعاد قاچاق کالا و ارائه راهکارها با تأکید بر نقش گمرک، تهران: گمرک ج.ا. ایران، ۱۳۸۳.

بهکیش، محمدعلی، «رقابت شرط ورود به تجارت جهانی»، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا، نشریه داخلی، شماره ۶۷ (۸۴/۱۲/۱۶).

پورزند، سعید، «تشدید خطر فقر و درآمدهای ناعادلانه»، روزنامه ایران، سال دهم شماره ۲۸۷۳، ۱۳۸۳.

توازن اقتصادی از دیدگاه اسلام و عملکرد اقتصادی ایران، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مجموعه مقالات همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۲.

جاندار، فخرالله، «قاچاق شیر خشک»، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، نشریه داخلی، شماره ۷۰، ۱۳۸۵.

چینی، حبیب، «قاچاق آفت ملی»، نشریه اطاق بازرگانی و صنایع

و معادن، شماره ۱۰، ۱۳۷۹.

حقی، محمدعلی، «قاچاق کالا آفت اقتصاد ملی»، روزنامه همشهری، (۱۳۷۷/۲/۲۱).

خانی، علیرضا، «چالش‌های اقتصادی دولت»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال ۱۹ خرداد و تیر، شماره ۲۱۴-۲۱۳، ۱۳۸۴.

خضری، محمد، رانت خواری و هزینه‌های اجتماعی- اقتصادی رانتی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.

خبرگزاری ایرنا، نقل از دکتر دیناروند معاون دارویی وزارت بهداشت و درمان، ۱۳۸۴.

خداوردی، علی، «قاچاق کالا»، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، نشریه نگرشی به تحولات سیاسی، ۱۳۸۳.

داداش زاده، نوروز، بررسی ریشه‌های فقر و آثار آن در ایران، تهران: دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد به

راهنمایی دکتر کمبجانی، ۱۳۶۹.

رفعتی، محمدرضا، «قاچاق کالا»، نشریه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۳۵، آبان ۱۳۷۷.

زارع شاهی، احمدعلی، «بی ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر عوامل تولید در ایران»، پژوهشکده مطالعات

راهبردی، سال سوم شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۹.

ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، نشریه‌های داخلی، شماره‌های ۹-۵۴ و...، ۱۳۸۵.

سزوار، محمد(۱۳۸۲)، دلایل کاهش امنیت اقتصادی در ایران، تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

شمس الدین، شهباز، «بررسی پدیده قاچاق کالا و آثار اقتصادی آن»، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، مجموعه

مقالات همایش ملی قاچاق کالا، ۱۳۸۷.

صحراپیان، مهدی، «ایران نایب قهرمان پولشویی جهان»، روزنامه اعتماد، ۱۳۸۴.

صدوقی، مرادعلی، «تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۲.

عظیمی، حسین، «راه‌های سنتی راهگشا نخواهد بود»، نشریه بهاء، ۱۳۷۹.

عظیمی، سیدرضا، «گزارشی در مورد معضل قاچاق کالا در ایران و نحوه مبارزه با آن»، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور،

۱۳۸۰.

غروی نخجوانی، سید احمد، «بحران بیکاری در ایران»،

پژوهشکده امور اقتصادی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال دوم شماره سوم پائیز ۱۳۸۱.

کرباسیان، علی اکبر، «حلقه مفقوده امنیت اقتصادی»، نشریه گزارش، شماره ۶۵ تیرماه ۱۳۷۳.

کاتوزیان، محمدعلی، *آدام اسمیت و ثروت ملل*، تهران: انتشارات حبیبی، ۱۳۵۸.

گمرک جمهوری اسلامی ایران، بررسی ابعاد قاچاق کالا و ارائه راهکارها با تأکید بر نقش گمرک، ۱۳۸۳.

میرزایی، مریم، «۱۱ میلیارد دلار در ۱۳ سال»، روزنامه سرمایه، ش ۱۶۷، ۱۳۸۵.

محمدی، افشین، برآورد آثار اقتصادی فرار از مالیات در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۷.

مقیمی، محمدرضا، مدیر کل وقت مبارزه با جرائم اقتصادی ناجا، تهران: ستاد ناجا، مصاحبه نگارنده با وی، (۱۳۸۴/۵/۱۶).

میرمحمدی، سید محمد، «تأثیر متقابل امنیت اقتصادی و اقتصاد زیرزمینی»، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۲.

موسوی، محمد، تطهیر درآمدهای ناشی از جرم، دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، ۱۳۸۰.

معاونت طرح و برنامه گمرک، «بررسی پدیده قاچاق کالا و راهکارهایی برای مبارزه با آن»، ۱۳۸۱.

مقدسی، علیرضا، «بررسی ابعاد قاچاق کالا و ارائه راهکارهایی جهت هدایت آن به مسیرهای اقتصادی کشور»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۰.

محمدی، امیر، «آثار زیان بار تجارت زیرزمینی بر اقتصاد ملی»، سیاست روز، ۱۳۸۰.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بزهکاری و شرایط اقتصادی، انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۸۲.

نیک پور، مرجانه، «بررسی پدیده رکود تورمی و عوامل ایجاد آن

با توجه به ویژه اقتصاد ایران»، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

نوری، جعفر، «پیامدهای اقتصادی و راهکارهای کنترل پدیده قاچاق»، سازمان تعزیرات حکومتی، ۱۳۸۳.

نورمحمدی، خسرو، «جنبه‌های اقتصادی مبادلات مرزی»، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ۱۳۷۳.

نورمحمدی، خسرو، بررسی قاچاق کالا و راهکارهای هدایت فعالیت‌های قاچاق به مسیرهای قانونی و رسمی، ۱۳۸۱.

نهادن‌دیان، محمد، «آثار قاچاق در اقتصاد کشور»، نشریه گام چهارم، شماره اول، شهریور ۱۳۷۷.

نهادن‌دیان، محمد، «قاچاق کالا»، نشریه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۳۵، آبان ۱۳۷۷.

همدمی خطبه‌سرا، ابوالفضل، فساد مالی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.

هیوت، تام و دیگران، صنعتی شدن و توسعه، ترجمه طاهره قادری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷.

www.Iraninstitute.com , 2004/2/3.

www.asmg.ir, 1385/2/15.

www.jahaneghtesad, 1385/2/9.

Schneider, Stephan, "Organized Conteraband Smuggling and its Enforcement in Canada" , Canada Trends in Organized , wol. 6 , No. 2 , Winter 2000. p 7

Rensselaer. Lee "Nuclear Smuggling: Patterns and Responses" www.carlisk.army.mil/usa wc/ Parmetes/ 2003 Spring/ Lee. Pdf.

"Human, Smuggling, "A Security Threat to Australia?", Australia Institute of Criminology:, (2000).

www.aic. gov. au/ conferences/ other/ graycer- odom, 2000/08/smuggling / slides/ pdf.